

رابطه اقتصاد و سیاست در سیره علوی

یوسف فتحی^۱

چکیده

رابطه و تأثیر متقابل اقتصاد و سیاست در اقتصاد سیاسی مطرح می‌شود. اقتصاد یا جامعه‌محور یا رانت‌محور است. دولتی که منابع مالی آن مستقل از جامعه باشد، اقتصاد آن رانتهی و حق مالکیت، قانون و حقوق در آن بی‌ارزش است. مقاله حاضر با روش تحلیل مضمون، اقتصاد سیاسی را در نهج البلاغه بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، که مضامین فراگیر اقتصاد و سیاست در نهج البلاغه در نه شاخص مهم حسن تعامل، اعتماد به خود اظهار، عدالت اجتماعی، توانایی پرداخت، اصل انتفاع، فشار مالیاتی و سقوط دولت، اقتصاد سالم و پیشرفت (رفاه)، اعتماد اجتماعی و آزادی اقتصادی، قابل شناسایی است. تمام این شاخص‌ها از مؤلفه‌های اقتصاد اجتماع‌محور است. در دولت علوی احترام به قانون، مالکیت، عدالت، امانتداری، آزادی و پاسخگویی، ارزش، و ظلم، استبداد، تزییع حقوق، حیف و میل اموال، خویشاوند سالاری، حامی‌پروری و رفتارهای سلیقه‌ای، اطلاق قدرت و خشونت، ضد ارزش هستند. بر این اساس به نظر می‌رسد سلامت تشکیلات اداری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دوره حکمرانی امام علی علیه السلام نتیجه مستقیم نوع رابطه ثروت و قدرت و مهار آن دو بوده است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد در نهج البلاغه، اقتصاد سیاسی در نهج البلاغه، سیاست در نهج البلاغه

۱. دانشیار گروه معارف دانشگاه زنجان. fathi@znu.ac.ir

درآمد

اقتصاد سیاسی، شبکه اقتصاد و سیاست و رابطه آنها را بررسی می‌کند. اقتصاد به دو نوع رانتی و اجتماعی تقسیم می‌شود که هر کدام آنها در ماهیت دولت و اخلاق جامعه تأثیر دارد. اقتصاد رانتی با دولت‌رانتی و اقتصاد اجتماعی با دولت اجتماع‌محور رابطه مستقیم دارد. دولت‌رانتی، دولتی است که منابع اقتصادی آن از اقتصاد غیر مولد و فرامالیاتی ناشی می‌شود. قدرت و ثروت به‌صورت انحصاری در اختیار دولت و دولت مستقل از جامعه و جامعه فاقد هرگونه حق در برابر دولت است. استقلال اقتصادی دولت از جامعه، مانع شکل‌گیری نظام مردم‌مدار، توسعه‌پایدار، همبستگی بین دولت و مردم و وفاق سیاسی می‌شود. دولت‌رانتی، خود را فراتر از نخبگان جامعه و صاحبان سرمایه می‌داند و دوام آن در اختلاف میان آنها است. دولت رانت‌محور برخلاف دولت جامعه‌محور، حامی‌پرور است.

اقتصاد سیاسی، به چگونگی تأثیرگذاری قدرت سیاسی بر اقتصاد و اقتصاد بر رفتار سیاسی می‌پردازد. نهج‌البلاغه، متن مهمی در چگونگی سامان‌دهی زندگی اقتصادی و سیاسی در جامعه اسلامی است. بر این اساس این مقاله به بررسی اقتصاد سیاسی دولت علوی می‌پردازد.

اقتصاد اجتماع‌محور یا رانت‌محور یک مؤلفه اثرگذار در ساختار دولت و اخلاق جامعه است. از آنجا که این امر یکی از مسائل فعلی ایران است؛ از این‌رو بررسی این مسئله در نهج‌البلاغه به‌عنوان برنامه دولت علوی، می‌تواند روزه‌ای به ساماندهی اقتصادی و سیاسی جامعه امروز و تنظیم رابطه اقتصاد و سیاست باشد.

پیشینه پژوهش

در موضوع این مقاله، منابع محدودی در دسترس است. از جمله این منابع، ال‌ریس (۱۳۷۳ش) و اجتهادی (۱۳۶۳ش) به منابع مالی خلفای راشدین و دولت‌های اسلامی، نحوه کسب و هزینه‌کرد آن می‌پردازند. این دو کتاب را می‌توان در حوزه اقتصاد سیاسی دولت‌های اسلامی پیامبر ﷺ، خلفای راشدین و امویان ارزیابی کرد. یکی از ویژگی‌های اقتصاد رانتی این است که دولت خود را مالک اصلی ثروت جامعه می‌داند. مبدأ اقتصاد رانتی در اسلام، زمان خلیفه دوم و اوج آن دوره خلیفه سوم است. عثمان، خزانه مسلمین را ملک خود دانسته و اقتصاد در میان خویشان و مریدان او در گردش بود (محمدی‌شهری و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۵۷/۳-۱۷۰). اولین اخطار امام علی علیه السلام، بازگشت تمام زمین‌ها و اموال بذل شده بیت المال در دوره عثمان است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵: ۵۳۳/۱). رحیمی (۱۳۹۳ش) به بخشی از ویژگی‌های حکومت امام علی علیه السلام اشاره می‌کند، لیکن رویکرد اقتصادی ایشان را بیان نمی‌کند. مولایی (۱۳۹۲ش) اصول اقتصادی وی را رعایت عدالت، فقرزدایی، مقابله با فساد اقتصادی و ساده‌زیستی بیان می‌کند و به رابطه اقتصاد و سیاست نمی‌پردازد. بختیاری (۱۳۹۷ش) به شش فساد و سیزده راهکار اشاره می‌کند. یکی از فسادها را رانت می‌شمارد. جهان‌بین و نعمتی (۱۳۹۴ش) به تعریف عدالت و معیارهای آن در نظام نظری عملی برآمده از مبانی شناختی هنجاری دین

اسلام و نهج‌البلاغه پرداخته و سه معیار تساوی در اصل دریافت حق، ایجاد فرصت برابر برای بالفعل کردن حقوق و فقرزدایی را کلید اصلی در تشخیص فرآیند عادلانه در نظام اقتصادی اسلامی می‌دانند. عشقی عراقی (۱۳۹۸ش) به انجام فعالیت و کسب و کار و آسیب‌های اجتماعی بی‌کاری جامعه از نگاه امام علی علیه السلام می‌پردازد. محمدی ری‌شهری و همکاران (۱۳۸۲ش: ۴/۴۹-۵۵)، اصول اقتصاد امام علی علیه السلام را ترویج فرهنگ کار، توسعه کشاورزی، توسعه صنعت و تجارت، مالیات منصفانه، لزوم بهره‌مندی همسان عموم از اموال عمومی، تأمین نیازهای اولیه زندگی برای همه، ممنوعیت بخشش اموال عمومی به اطرافیان می‌داند. دلشاد تهرانی (۱۳۸۲ش: ۴۷۴-۴۸۰)، تکیه‌گاه اصلی دولت از نظر امام علی علیه السلام را یک نظام مالیاتی منعطف، پرتحرک، سالم و توانا می‌داند. میزان مالیات را تابع شرایط اقتصادی مالیات دهندگان و رویکرد گرفتن مالیات را عمران، آبادانی، رونق کسب و کار و همدلی دولت و مالیات دهندگان برمی‌شمارد. پوراحمدی و شم‌آبادی (۱۳۹۰ش)، مهمترین مضمون‌های اقتصادی و سیاسی از نگاه امام علی علیه السلام را رعایت عدالت و انصاف، رضایت شهروندان، نظارت بر عملکرد کارمندان، رعایت مصلحت مالیات دهندگان، استفاد از مالیات برای رفاه مردم و منع احتکار می‌داند (به نقل از دادگر و نمازی، ۱۳۸۵ش: ۱۷۸). سه منبع پایانی به بخشی از عناصر اقتصاد جامعه‌محور به صورت پراکنده اشاره می‌کنند. این کتب و مقالات در نوع خود ارزشمند هستند. اما به رابطه اقتصاد و سیاست و تأثیر و تأثر آنها نمی‌پردازند.

مبانی نظری پژوهش

از نگاه جامعه‌شناسی، اعتماد-همبستگی، قدرت-اقتدار و معنا-مشروعیت، سه مسئله مهم نظم اجتماعی هستند. ماهیت دولت با ماهیت اقتصاد (رانتی یا اجتماعی) رابطه مستقیم دارد. رانت^۱ در لغت به معنای اجاره بها (حییم، ۱۳۶۴: ۷۷۶) و در اصطلاح به معنای درآمد بدون فعالیت مولد (شکاری، ۱۳۷۹: ۳۲) و فرامالیاتی دولت است (عیوضی، ۱۳۸۲: ۷۷). دولت رانتی به دلیل انحصار و مهار قدرت و ثروت مستقل از جامعه است (حاجی‌یوسفی، ۱۳۷۶: ۱۵۳). جامعه، فاقد هرگونه حق در برابر دولت (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۷) و نیروهای اجتماعی از تمام جهات وابسته (همان، ۲۹۰) و جیره‌خوار دولت هستند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۲). استقلال اقتصادی دولت از جامعه، مانع شکل‌گیری نظام مردم‌مدار، توسعه‌پایدار، رفع تضاد بین دولت و مردم و وفاق سیاسی است. دولت رانتی، خود را فراتر از نخبگان فکری و صاحبان سرمایه می‌داند و دوام دولت را بر اختلاف میان نخبگان فکری و صاحبان سرمایه قرار می‌دهد. جامعه، زنجیره‌ای از ظلم و ستم و پر از تناقضات حرف و عمل، تلون و ده‌ها ردیلت اخلاقی است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۳). گسست بین جامعه و دولت، مردم را از نظارت بر اعمال دولت دور می‌کند (Migdal, 1988: 20). دولت رانتی، با چالش مهار جامعه و عدم ثبات سیاسی و مشروعیت

مواجهه است (حاجی‌بوسفی، ۱۳۷۶: ۱۵۳). تقدم رضایت خواص بر عموم و تبدیل دولت به موسسه توزیع درآمد و عامل تحرک اجتماعی اقتصادی سیاسی نخبگان، این چالش را تبدیل به بحران می‌کند. روحیه رانت‌خواری و خواص پروری، پایه‌های حقوقی و قانونی دولت را متزلزل می‌کند. هرگاه، دولت نه متکی به جامعه و نه محدود به قانون باشد، وضعیت استبدادی^۱ است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۳). تملک منابع قدرت و ثروت، منشأ احساس مظهر خداگونگی حاکم و کانالیزه شدن منابع اطلاعات حاکم می‌شود چنانکه خبرهای مورد انتظار از طریق اطرافیان به سمع و نظر می‌رسد تا خاطر مبارک با شنیدن حقایق مکدر نشود (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۳). تلقین سلطه مطلقه بر جامعه مستلزم تلقین خداگونگی بر خویشان و عاقبت آن سقوط است (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۰۳). دولت مستقل از جامعه، خواص پرور، بی‌قانون و یک دولت ضد اخلاق است. دولت ضد اخلاق، زمینه جامعه ضد اخلاق است. سرمایه اجتماعی این دولت، نیروی نظامی، سیستم اداری متمرکز و خواص است (اسکاچیل، ۱۳۷۷: ۱۹۲-۱۹۳). حق مالکیت و منابع داخلی (مالیات‌ها، عوارض و تولیدات داخلی) بی‌ارزش هستند.

نظام مالیاتی باید کارا و عادلانه باشد (منکیو، ۱۳۸۸: ۲۷۶). اقتصاددانان، در ساماندهی سیستم مالیاتی به دو اصل منفعت و توانایی پرداخت تأکید دارند. به موجب اصل اول، مردم بر حسب منفعت و به موجب اصل دوم مردم در صورت تنظیم مالیات براساس میزان درآمد با برنامه مالیاتی دولت همکاری خواهند کرد (پل‌آنتونی، ۱۳۸۸: ۱/۶۲۹). اصول عادلانه بودن، کارایی، منفعت و توانایی پرداخت، چهار اصل مهم و از چالش‌های اساسی یک نظام مالیاتی است. میزان مالیات به فعالیت تولیدی و میزان اخذ آن به رضایت تولیدکنندگان از دولت منوط است. حسن برخورد عامل مالیات، رفتار مؤدبانه، برخورد انسانی و همدلی با مردم منجر به اعتماد، آرامش و همکاری می‌شود. یک نظام مالیاتی زمانی کارایی دارد که زیان رفاهی و هزینه‌های اضافی برای مالیات دهندگان ایجاد نکند (منکیو، ۱۳۸۸: ۲۸۳-۲۸۴). ابزار و اثاث زندگی مردم از قبیل غذا، لباس و ابزار کار مردم، مورد تعرض قرار نگیرد. برای یک درهم نباید به آنها تازیانة زند و از احدی نباید خراج بیشتر طلب کرد (الریس، ۱۳۷۳: ۱۷۳).

چگونگی آغاز گفتگو و طرح موضوع در جلب اعتماد مردم بسیار مهم است. اعتماد به خود اظهاری در همه کشورها در امر اخذ مالیات، ناشی از اعتماد متقابل مردم و دولت است. قضیه «تو نصف کن تا او انتخاب کند»، یک قاعده اساسی در عدالت اجتماعی است. اگر اولی عمداً نامساوی نصف کند، دومی حق دارد اول انتخاب کند. در این قضیه، قانون مجوز تنصیف، دولت، نصف‌کننده، و مردم، انتخابگرند. رعایت شرایط اقتصادی و تنظیم مالیات بر اساس درآمد مردم، بلکه فراتر از آن تأمین مایحتاج مردم در شرایط خاص می‌تواند به اعتماد متقابل دولت و مردم منجر شود. اعتماد به‌مثابه سرمایه اجتماعی در مواقع گرفتاری دولت است. اصل انتفاع می‌گوید مردم باید با توجه به خدمات دولت، مالیات پردازند (منکیو، ۱۳۸۸: ۲۸۹). مالیات از آن جامعه است و کارگزار مالیاتی نماینده و امین مردم است و موظف

۱. نظام دیکتاتوری، متکی به طبقات ولی محدود به قانون نیست.

است تا با آنها برخورد منصفانه کند و نیاز آنها را تأمین نماید. اخذ مالیات نباید موجب فقر و بدبختی مردم و از بین رفتن سرمایه آنها شود. هدف مالیات، اصلاح معیشت و رفاه حال پرداخت کنندگان، انتظام امور جامعه، عمران و آبادانی، توسعه اقتصادی و اجتماعی، تأمین اجتماعی طبقات پایین جامعه، حفظ کرامت انسانی، اصلاح و توسعه نظام تعلیم و تربیت عمومی، رفع موانع رشد داخلی و خارجی جامعه، رعایت عدالت و انصاف نسبت به پرداخت کنندگان، حفاظت و حراست بیت‌المال و صرف آن در مصالح کلی جامعه است (جعفری، ۱۳۸۶: ۴۷۳-۴۷۰). در حالی که در دولت رانتهی، مالیات به جای هزینه کرد در امور عام‌المنفعه، به اطرافیان اختصاص می‌یابد.

علاوه بر اصل انتفاع راه دیگر ارزیابی عادلانه بودن نظام مالیاتی، رعایت اصل توانایی پرداخت و وضع مالیات بر اساس درآمد هر فرد است. اصل توانایی پرداخت دو نتیجه فرعی مربوط به عدالت افقی و عمودی دارد. عدالت عمودی وضع مالیات براساس توانمندی و عدالت افقی وضع مالیات مشابه به افراد مشابه است (منکیو، ۱۳۸۸: ۲۹۰). سیاست مالیاتی بر کل بخش‌های جامعه (تولیدکننده، مصرف‌کننده، کارگر و دولت) تأثیر دارد. بی‌عدالتی، سبب رهاکردن کسب و کار، ترک وطن و تبدیل منطقه به ویرانه، شورش علیه حاکم و در نهایت سبب ویرانی کشور است. نخستین شرط دولت اسلامی، عدالت و نخستین ویژگی نظام سیاسی طاغوتی، استبداد و بی‌عدالتی است. اخذ مالیات قبل از برداشت محصول و کسب درآمد، ظلم در حق مردم است (هاشمی‌خوئی، ۱۴۰۰: ۵۴۲/۲۱). نظارت بر عملکرد کارگزاران مالیات مانع اجحاف در حق مردم است (الریس، ۱۳۷۳: ۱۷۳). تحلیل اقتصاد و سیاست به عنوان نهادهای اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از آنها به تنهایی قادر نیست تا جامعه را برای تحقق پیشرفت فردی و اجتماعی و عدالت اجتماعی سازماندهی کند. توازن فرایندهای سیاسی و اقتصادی برای تداوم یک جامعه سالم لازم است (کلارک، ۱۳۸۹: ۶۰). تحلیل جداگانه اقتصاد و سیاست، فهم ناقص از نظام اجتماعی را شکل می‌دهد. اقتصاد و سیاست دو روی سازماندهی نظام اجتماعی برای تحقق ابعاد کارآمدی، رشد، ثبات و عدالت اجتماعی با تحقق سه بعد آزادی، برابری و توزیع منافع و هزینه‌ها و نظم اجتماعی است (همان، ۳۸). این اهداف و ابعاد در واقعیت از هم متمایز و جدا نیستند، بلکه جامعه عادلانه سیاسی، جامعه پیشرفته اقتصادی نیز هست. در یک جامعه سالم، اقتصاد و سیاست هیچکدام رها نیستند.

اقتصاد و سیاست در سه حوزه نهادی، هدف و بازیگر اصلی با هم تفاوت دارند. در اقتصاد به ترتیب بازار، پیشرفت و فرد و در سیاست، دولت، عدالت و جامعه سه حوزه مهم هستند (همان، ۳۷). اقتصاد سیاسی^۱ به رابطه اقتصاد و سیاست و به تأثیر دولت بر فرایندهای تولید و توزیع ثروت و اقتصاد بر قدرت می‌پردازد (عیوضی، ۱۳۸۲: ۷۱) و توضیح می‌دهد که چگونه قدرت سیاسی بر اقتصاد و اقتصاد بر رفتار سیاسی تأثیر می‌گذارد. دولت و بازار به عنوان نهاد سیاسی و اقتصادی از هم مستقل نیستند.

1. Political Economy

توازن میان آنها به جامعه سالم و تحقق پیشرفت فردی و عدالت جمعی منجر خواهد شد. نهج البلاغه، متن مهمی در زمینه زندگی اخلاقی اقتصادی سیاسی و اجتماعی است و یکی از معارف مهم آن رابطه دولت و مردم است. محور مقاله، اقتصاد سیاسی در نهج البلاغه است. سؤال اساسی این است که رویکرد اقتصادی امام علی علیه السلام، اجتماعی یا رانتی است؟ پاسخ این سؤال در اشارات اقتصادی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار نهج البلاغه با روش تحلیل مضمون جستجو شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌های نظام مالیاتی و اهداف و ابعاد اقتصاد و سیاست

مؤلفه‌ها	ابعاد	سنجدها	منابع
شیوه‌های گرفتن مالیات	حسن تعامل	حسن برخورد عامل مالیات، رفتار مؤدبانه، برخورد انسانی و همدردی با مردم، ایجاد اعتماد، آرامش و همکاری	منکیو ۱۳۸۸ش
	اعتماد به خود اظهاری	گفتگو و طرح موضوع در جهت جلب اعتماد و صداقت مردم	منکیو ۱۳۸۸ش
	عدالت اجتماعی	تقسیم یکی و انتخاب دیگری: اگر اولی عمداً نامساوی نصف کرد، دومی حق دارد اول انتخاب کند.	منکیو ۱۳۸۸ش
	توانایی پرداخت	رعایت شرایط اقتصادی و تنظیم مالیات براساس درآمد مردم و اعتماد متقابل دولت و مردم	پل آتونی ۱۳۸۸ش، ج ۱؛ منکیو، ۱۳۸۸ش
اهداف	فشار مالیاتی و سقوط دولت	فشار مالیاتی باعث تخریب شهرها، نابودی مردم و حکومت و ویرانی زمین و سرمایه مردم	الریس ۱۳۷۳ش؛ هاشمی خوئی، ۱۴۰۰، ج ۲۱
	اقتصادی: پیشرفت، آزادی اقتصاد از سلطه دولت	رفاه و معیشت، عمران و آبادانی و توسعه اقتصادی و اجتماعی	منکیو ۱۳۸۸ش؛ جعفری ۱۳۸۶ش؛ دلشاد تهرانی ۱۳۸۲ش
	سیاسی: عدالت اصل انتفاع	نظم امور جامعه، تأمین اجتماعی، کرامت انسانی، تنظیم تعلیم و تربیت، رفع موانع رشد جامعه، عدالت و انصاف رابطه خدمات دولت و مالیات	کلارک ۱۳۸۹ش، جعفری ۱۳۸۶ش

روش‌شناسی و سنجش روایی

تحلیل مضمون^۱، یک روش کیفی در شناخت شبکه‌مضامین^۲ از طریق استقرای تحلیلی، طبقه‌بندی داده‌ها (کیا و فقیهی نژاد، ۱۳۹۷: ۱۳) و ابزار منعطف و مفید برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مستقل است. بر اساس آن، متون، بررسی و مضامین، کشف می‌شوند و نیازی به اشباع داده ندارد (Braun & Clarke, 6). مضمون، مبین اطلاعات مهم در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤال تحقیق است. شبکه مضامین، نظام‌دهنده مضامین پایه،

1. Thematic Analysis
2. thematic networks

مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر، است (شیخ‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۵ به نقل از آتراید-استیرلینکس، ۲۰۰۱). تحلیل مضمون با سه روش قالب مضامین، ماتریس مضامین و شبکه مضامین صورت می‌گیرد. شبکه مضامین عرضه نقشه‌ای شبیه تارنما به‌مثابه روش نمایش است که ارتباط مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر را مشخص می‌کند.

شبکه مضامین، روش مناسبی در تحلیل مضمون است و این پژوهش بر اساس آن انجام شده است. پژوهش حاضر در شش گام مطالعه متون و استخراج عبارات، استخراج مضامین پایه، استخراج مضامین سازمان‌دهنده از مضامین پایه، استخراج مضامین فراگیر از مضامین سازمان‌دهنده، تلخیص و دسته‌بندی مجدد مضامین سازمان‌دهنده و استخراج شبکه مضامین به انجام رسیده است. روایی محتوا^۱ نشان می‌دهد که یک مقیاس چه میزان پژوهش را سنجش می‌کند و روایی محتوا^۲ نشان می‌دهد که یک مقیاس چه میزان دقیق است و پژوهش را سنجش می‌کند و تکرارپذیری نتایج تحقیق را ارزیابی می‌کند (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۱۴۲). برای سنجش روایی^۳ مضامین، روش‌های متعددی وجود دارد که در این تحقیق از روش Cvi^۴ استفاده شده است. در این روش گویه‌های با مقادیر کوچکتر از ۰/۷ رد و بین ۰/۷ تا ۰/۷۹ قابل‌بازبینی و بزرگتر از ۰/۷۹ قابل قبول هستند. مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر در اختیار ۹ نفر متخصص که با محتوا یا روش تحقیق آشنا بودند، قرار گرفت تا میزان مرتبط بودن هر گویه با مضامین را طبق طیف چهارگزینه‌ای لیکرت اعتبارسنجی کنند: ۱- غیرمرتبط ۲- نیاز به بازبینی ۳- نسبتاً مرتبط ۴- کاملاً مرتبط. برای محاسبه، تعداد پاسخگویان گزینه‌های ۳ و ۴ بر کل پاسخگویان تقسیم می‌شود (نتایج در جدول ۵ منعکس شده است). برخی کدها در بردارنده تعدد مضمون هستند. همه استادان ضمن تأیید گزینه (۳ و ۴)، یادآور تعدد مضامین برخی کدها بودند و با توضیح فوق قانع شدند که حذف نشوند.

$Cvi = \text{تعداد پاسخگویان به ۳ و ۴ تقسیم بر تعداد کل پاسخگویان}$

یافته‌های پژوهش

براساس مراحل انجام تحقیق با مطالعه دقیق متن نهج البلاغه، عبارات دال بر مؤلفه‌های اقتصاد جامعه محور، استخراج و مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر شکل گرفتند. در گام اول و دوم، متون مطالعه و مضامین پایه استخراج شدند.

1. Content validity
2. Content validity
3. Reliability
4. Content Validity Index

جدول ۲: نقل قول ها و مضامین پایه

مضامین پایه	نقل قول ها
۱- توزیع عادلانه مالیات در جامعه راه ایجاد کند.	۱- وای بر کسی که در پیشگاه خدا، فقا و مساکن و درخواست کنندگان و آنان که از حقتشان محرومند، بدهکاران و ورشکستگان و در راهماندگان، دشمن او باشند و از او شکایت کنند (نامه ۲۶).
۲-۱- امنیت روانی و قانون گرایی در گرفتن مالیات به ایجاد اعتماد، آرامش و همکاری منجر می شود. ۲-۲- رفتار نیکو، مؤدبانه، انسانی و احترام به مالکیت مردم به ایجاد اعتماد، آرامش و همکاری منجر می شود.	۲- هیچ مسلمانی را نترسان، با زور از زمین او نگذر، افزون تر از حقوق الهی مگیر. هرگاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آئی، و وارد خانه کسی مشو، سپس با آرامش و وقار به سوی آنان حرکت کن تا در میانشان قرار گیری، به آنها سلام کن، و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن (نامه ۲۵)
۳-۱- گفتگوی اعتماد زا در خود اظهاری مالیاتی مهم است. ۳-۲- تهدید و اعمال زور برای گرفتن مالیات ممنوع است.	۳- می گویی: ای بندگان خدا، مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده، تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل گیرم، آیا در اموال شما حقی است که به نمایندگی او بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه، دیگر به او مراجعه نکن، و اگر کسی پاسخ داد: آری، همراهش برو، بدون آنکه او را بترسانی، یا تهدید کنی، یا به کار مشکلی وادار سازی (نامه ۲۵)
۴-۱- مأمور، اموال متعلق مالیات را تقسیم و مالک انتخاب می کند. اگر عمداً نامساوی تقسیم کند، دومی حق دارد تا اول انتخاب کند. ۴-۲- مالیات نقدی را هرچه مالک داد، مأمور می پذیرد. ۴-۳- سلطه گری، سخت گیری و ایجاد رعب بر مؤدی ممنوع است.	۴- هرچه از طلا و تقره به تو رساند بردار و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اجازه اش داخل مشو که بیشتر اموال مال اوست. مانند اشخاص سلطه گر و سختگیر رفتار نکن، حیوانی را رانده و هراسان مکن و دامدار را مرتجان، حیوانات را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده تا انتخاب کند، به انتخابش اعتراض نکن، باقی مانده را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده تا انتخاب کند و بر انتخاب او خرده مگیر، به همین گونه رفتار کن تا باقی مانده، حق خداوند باشد. اگر دامدار از این تقسیم پشیمان است و درخواست گزینش دوباره دارد، همراهی کن (نامه ۲۵).
۵-۱- اصل سرمایه مردم متعلق مالیات نیست. ۵-۲- در گرفتن مالیات سختگیری و زور ممنوع است. ۵-۳- ناعدالتی در حق هیچ شهروندی روا نیست.	۵- لباس های تابستانی یا زمستانی، مرکب سواری و برده کاری او را نفروشید، و برای گرفتن درهمی، کسی را تازیانه نزنید و به مال کسی «نماز گزار، یا غیر مسلمان در پناه اسلام» دست اندازی نکنید (نامه ۵۱).
۶-۱- رونق مالیات با بهبود وضع مالیات دهندگان. ۶-۲- رونق مالیات با صلاح و آسایش جامعه. ۶-۳- رونق زندگی مالیات دهندگان و بهبود وضع مردم.	۶- مردم همه نان خویر خراج و خراجگزاران هستند، باید کوشش تو در آبادی زمین بیش از کوشش در جمع آوری خراج باشد، زیرا که خراج جز با آبادانی به دست نمی آید (نامه ۵۳).
۷-۱- مالیات و اصلاح امور جامعه مالیات دهنده ۷-۲- مالیات و انتظام امور جامعه و توسعه اجتماعی و اقتصادی. ۷-۳- مالیات و عدالت اجتماعی و امنیت روانی جامعه. ۷-۴- منع صرف مالیات برای حامی پروری. ۷-۵- هزینه کرد مالیات در امور عام المنفعه.	۷- مهمترین اهداف مالیات: اصلاح معیشت و رفاه حال پرداخت کنندگان مالیات، انتظام امور جامعه، عمران و آبادانی و توسعه اقتصادی و اجتماعی، تأمین اجتماعی طبقات پایین جامعه و حفظ کرامت انسانی آنها، اصلاح و توسعه نظام تعلیم و تربیت عمومی، رفع موانع رشد داخلی و خارجی جامعه، رعایت عدالت و انصاف نسبت به پرداخت کنندگان، حفاظت و حراست از بیت المال (جعفری، ۱۳۸۶: ۴۷۳-۴۷۰).
۸-۱- رعایت اصل توانایی پرداخت و وضع مالیات بر اساس درآمد هر فرد. ۸-۲- مالیات بدون توسعه اقتصادی و اجتماعی، باعث نابودی جامعه است.	۸- مطالبه مالیات بدون عمران و آبادانی، باعث تخریب شهرها، نابودی مردم، حکومت و ویرانی زمین و سرمایه مردم می شود. بیچارگی و فقر آنها ناشی از انباشت ثروت توسط زمامداران، به علت بدگمانی به بقای حکومتشان و عبرت نگرفتن از سرنوشت زمامداران گذشته است (نامه ۵۳). گرفتن خراج پیش از موعد، ظلم و بی عدالتی است.

<p>۳-۸. گرفتن مالیات قبل از موعد، ناعدالتی و ظلم است.</p>	<p>بی‌دادگری، مردم را آواره و شمشیر را فرا می‌خواند (کلمات قصار ۴۷۶).</p>
<p>۱-۹. اخذ مالیات خارج از توان و قبل از موعد، بی‌عدالتی است. ۲-۹. اخذ مالیات خارج از توان و قبل از موعد، ویژگی نظام طاغوتی و استبدادی است. ۳-۹. اخذ مالیات خارج از توان و قبل از موعد، باعث شورش اجتماعی است. ۴-۹. اخذ مالیات خارج از توان و قبل از موعد، باعث ویرانی اقتصاد و جامعه است.</p>	<p>۹. عدالت، مایه نظم امور و ترک آن سبب رها کردن کسب و کار و ترک وطن و تبدیل منطقه به ویرانه است. خشونت و بی‌عدالتی سبب قیام علیه حاکم و دولت و قیام سبب ویرانی کشور است. نخستین شرط دولت اسلامی، عدالت و نخستین ویژگی نظام سیاسی طاغوتی، استبداد و بی‌عدالتی است. فحواوی این حکمت نفی رویه عثمان است که قبل از برداشت محصول به صورت سلف از اهالی فارس مالیات می‌گرفت و این ظلم در حق آنها بود (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰: ۵۴۲/۲۱).</p>
<p>۱۰. نظارت بر عملکرد کارگزاران مالیات و عدم اجحاف در حق مردم.</p>	<p>۱۰. تندخویی، دروغ‌گویی و بی‌اعتنایی به مردم ممنوع است، مردم برادران دینی و یاری‌دهندگان شما هستند (نامه ۲۶).</p>
<p>۱۱. هدف نظام مالیاتی، جبران آثار منفی تولید در جامعه، تأمین کالای عمومی (دفاع و امنیت) و ایجاد رفاه اجتماعی است.</p>	<p>۱۱. ساماندهی منابع مالی (مالیات)، مبارزه با دشمنان، اصلاح امور شهروندان و عمران و آبادانی جامعه (نامه ۵۲) از مهمترین اهداف گرفتن مالیات است.</p>
<p>۱-۱۲. مبارزه با رانت‌خواری با رونق مالیات رابطه دارد. ۲-۱۲. مسئولیت مالی و سیاسی (قانونگری) دولت با رونق مالیات رابطه دارد.</p>	<p>۱۲. ای مردم من با این لباسی که بر تن دارم و مرکبی که سوار آن هستم، وارد شهر شما شدم، پس اگر من از شهر شما خارج شدم در حالی که چیز دیگری غیر از آنها داشتم، بدانید به شما خیانت کردم (این شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۹۸/۲).</p>
<p>۱۳. مالیات بازتوزیع درآمد در جامعه است.</p>	<p>۱۳. هدف مالیات، تأمین اجتماعی (نامه ۵۳)، آموزش و پرورش (خطبه ۲۱۶) و رفاه اقتصادی، اجتماعی، دفاع، امنیت و مانند اینها است (نامه ۵۳).</p>
<p>۱۴. هزینه‌کرد مالیات در رفاه عمومی و عمران در محل مالیات و ایجاد محیط مناسب کسب و کار.</p>	<p>۱۴. مطالبه مالیات بدون عمران و آبادانی، شهرها را خراب، مردم و حکومت را نابود می‌کند (کلمات قصار ۴۷۶).</p>
<p>۱۵. قانونگری و مسئولیت مالی مدیران.</p>	<p>۱۵. خطاب به زیاد بن ابیه فرماندار بصره: من به خدا سوگند می‌خورم اگر در اموال عمومی خیانت کنی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که در تأمین هزینه عیال خود درمانده شوی (نامه ۲۰).</p>
<p>۱۶. مالیات برای توزیع مجدد درآمد در جامعه و عدالت اجتماعی.</p>	<p>۱۶. منع اسراف و اتخاذ روش میانه روی و صرف بیت‌المال برای تأمین مایحتاج تهیدستان و بیوه زنان (نامه ۲۱).</p>
<p>۱۷. به بهانه مالیات، حقوق مردم نباید پایمال شود. امنیت مردم نباید از جانب حکومت به خطر افتد.</p>	<p>۱۷. توصیه به مأمور مالیات: هیچ مسلمانی را ترسان، بر سر راه خود با زور از زمین مردم عبور نکن (نامه ۲۵).</p>
<p>۱۸. قانونگری در اخذ مالیات.</p>	<p>۱۸. بیش از حق الهی از مردم مالیات نگیر (نامه ۲۵).</p>
<p>۱-۱۹. احترام به مالکیت مردم و فرع بودن مالیات بر اموال آنها. ۲-۱۹. به بهانه اجرای قانون نباید موجب ناخوشایندی مردم شد. ۳-۱۹. متقاعد کردن مردم و جلب رضایت آنان برای گرفتن مالیات مهم است. ۴-۱۹. بی‌توجهی نسبت به خواست مردم بحران</p>	<p>۱۹. چون به قبیله‌ای رسیدی به کنار آبشان فرود آی بدون اینکه به خانه آنها درآی، بعد از آن به آرامی به سوی آنان برو تا در میان جمع آنان بایستی. پس بر آنان سلام کن و تحیت و درود را برایشان کم و ناقص مگردان بعد از آن میگوئی ای بندگان خدا ولی خدا و خلیفه او مرا بسوی شما فرستاده تا حق خدا را در اموال شما از شما بستانم. بگو آیا در اموال شما برای خدا حقیقتی که آن را به ولی او بدهید؟ اگر کسی گفت: نه، بار دیگر این سخن را برای او تکرار مکن (نامه ۲۵).</p>

<p>مشروعیت به همراه دارد.</p>	
<p>۲۰-۱. اعتماد به سخن مالیات دهند. ۲۰-۲. منع تهدید، ارباب و فریب. ۲۰-۳. احترام به حق مالکیت مالیات دهند. ۲۰-۴. بدون اجازه مالک داخل حیوانات او نشو و آنها را مترسان. ۲۰-۵. عدالت را در گرفتن مالیات رعایت کن. ۲۰-۶. جلب رضایت مالک در گرفتن مالیات.</p>	<p>۲۰. اگر کسی گفت: آری هست همراه او برو، بدون اینکه او را بترسی یا تهدید کنی یا فریب دهی، یا بر او سخت بگیری. آنچه که از طلا و نقره به تو داد بگیر. اگر او گاو و گوسفند یا شتر داشت. بدون اجازه او داخل در آنها مشو؛ زیرا بیشتر آنها مال او است. هر گاه با اذن او بر سر آنها رفتی چونان فرد مسلط و درشت کردار بر آنان وارد نشو. حیوانی را مترسان و صاحبش را نسبت به آن مرنجان. مال را به دو بخش تقسیم کن و صاحبش را مخیر کن تا هر بخش را که خواهد برای خود برگزیند. چون اختیار کرد متعرض آنچه را که اختیار کرده است مشو. دوباره باقی مانده را به دو قسم تقسیم کن و باز او را مخیر کن تا هر کدام را که می خواهد برگزیند و چون اختیار کرد به آنچه که انتخاب کرد اعتراض نکن. پیوسته این کار را تکرار کن تا آنقدر از مال بماند که مطابق ضوابط حق خدا باشد. پس حق خدا را از او بگیر. پس اگر مالک درخواست فسخ کرد، درخواست او را بپذیر و دوباره آنها را درهم آمیز، سپس آنچه کن که در اول کردی تا حق خدا را در مال او از وی بگیری (نامه ۲۵).</p>
<p>۲۱-۱. مأمور مالیات باید امین باشد. ۲۱-۲. حقوق حیوانات و مسئولیت مالیات گیرنده نسبت به اموال مالیاتی. ۲۱-۳. نحوه برخورد مأمور با حیوانات متعلق مالیات در جلب رضایت مالیات دهنده تأثیر دارد.</p>	<p>۲۱. امین مگردان بر آن مالها مگر کسی را که به دین او وثوق داری تا او به مال مسلمانان رفق و مدارا کند و مهربان باشد و آن مال را به ولی مسلمانان برساند تا او در میانشان قسمت کند. بر چهارپایان مسئول مگردان، مگر کسی را که نیک خواه، مهربان و مراقب باشد. درشتی نکند و زبان نرساند، نرنجاند و خسته نکند (نامه ۲۵).</p>
<p>۲۲. رعایت حقوق همه شهروندان در جامعه.</p>	<p>۲۲. مبدا هرگز در آنچه با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی (نامه ۵۳).</p>
<p>۲۳. حقوق دولت و مردم متقابل است. تأدی حقوق از سوی مردم منوط به تأدی حقوق از سوی دولت است.</p>	<p>۲۳. بدان برای تو در این زکاتی که جمع می کنی سهمی معین، و حقی روشن است، و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری، همانگونه که ما حق تو را می دهیم، تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی (نامه ۲۶).</p>
<p>۲۴. سوء استفاده از رانت قدرت جهت انباشت ثروت و مال و منال، اجحاف در حق مالیات دهندگان و جامعه است.</p>	<p>۲۴. چگونه نوشیدن و خوردن را بر خود حلال کردی با اینکه می دانی حرام می خوری و حرام می نوشی. چگونه با اموال یتیمان و مستمندان و مومنان و مجاهدان راه خدا، کینیزان می خوری و با زنان ازدواج می کنی؟ (نامه ۴۱)</p>
<p>۲۵. رانت خواری و بی عدالتی، ظلم بر مردم است.</p>	<p>۲۵. خطاب به مصفله بن هبیره شبیانی: از تو خبری به من رسیده، که تو غنایم جنگی مسلمانان را که به نیروی نیزهها و اسبانشان گرد آمده است و بر سر آنها خونها ریخته شده، به جماعتی از عربهای قوم خود، که تو را اختیار کرده اند، بخشیده ای (نامه ۴۳).</p>
<p>۲۶-۱. کارگزار مالیات کلیددار مردم است نه حاکم. ۲۶-۲. کارگزار مالیات، مأمور است نه مالک.</p>	<p>۲۶. خطاب به کارگزار مالیاتی: شما خزانه داران و وکلای مردم و سفیران پیشوایان هستید (نامه ۵۱).</p>
<p>۲۷-۱. مردم: سرمایه اجتماعی. ۲۷-۲. گوش دادن به حرف مردم.</p>	<p>۲۷. ستونهای استوار دین، اجتماعات پرشور، نیروهای ذخیره دفاعی و عموم مردم هستند؛ به آنها گوش کن و اشتیاق تو به آنان باشد (نامه ۵۳).</p>
<p>۲۸-۱. ایجاد رفاه برای کارکنان در قبال کار. ۲۸-۲. رفاه و سلامت اقتصادی جامعه. ۲۸-۳. رفاه و جلب اعتماد.</p>	<p>۲۸. سپس روزی فراوان بر آنان (کارکنان) ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می کوشند و با بی نیازی دست به اموال بیت المال نمی زنند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت خیانت کنند (نامه ۵۳).</p>

<p>۲۹-۱. منافع مالیات باید در جهت صلاح و رفاه مالیات دهندگان باشد.</p> <p>۲۹-۲. هزینه کردن مالیات در محل گرفتن مالیات.</p> <p>۲۹-۳. مالیات و تسهیل فعالیت اقتصادی در جامعه.</p>	<p>۲۹. در کار خراج نیکو نظر کن، به گونه‌ای که به صلاح خراج گزاران باشد. زیرا صلاح کار خراج و خراج گزاران، صلاح کار دیگران است و دیگران حالشان نیکو نشود، مگر به نیکو شدن حال خراج گزاران، زیرا همه مردم روزی خوار خراج و خراج گزاران اند (نامه ۵۳).</p>
<p>۳۰-۱. مالیات باید باعث رونق کسب و کار شود.</p> <p>۳۰-۲. مالیات نباید سرمایه را از بین ببرد.</p> <p>۳۰-۳. دریافت مالیات بر اساس توان مالی و درآمد.</p> <p>۳۰-۴. مالیات نباید باعث فقر مردم شود.</p>	<p>۳۰. باید بیش از تحصیل خراج در اندیشه زمین باشی، زیرا خراج حاصل نشود، مگر به آبادانی زمین و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد، مگر اندکی (نامه ۵۳).</p>
<p>۳۱. گرفتن مالیات بدون رونق کسب و کار باعث عقب افتادگی جامعه و سقوط حکومت است.</p>	<p>۳۱. باید بیش از گرفتن خراج در اندیشه زمین باشی، زیرا خراج حاصل نشود، مگر به آبادانی زمین و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد (نامه ۵۳).</p>
<p>۳۲-۱. مالیات بر اساس توان مردم و تخفیف مالیات در شرایط خاص باعث جلب اعتماد مردم می‌شود.</p> <p>۳۲-۲. اعتماد مردم به دولت سرمایه اجتماعی است.</p> <p>۳۲-۳. مدارا با مردم، سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند.</p>	<p>۳۲. هرگاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا بریدن آب یا نیامدن باران یا دگرگون شدن زمین یا بی‌آبی، شکایت نزد تو آوردند، از هزینه و رنجشان بگاه، آن قدر که امید می‌داری که کارشان را سامان دهی و کاستن از خراج بر تو گران نیاید، زیرا اندوخته‌ای شود برای آبادانی بلاد تو و زیور حکومت تو باشد، که ستایش آنها را به خود جلب کرده‌ای و سبب شادمانی دل تو شود، که عدالت را در میانشان گسترده‌ای و به افزودن ارزاقشان و به آنچه در نزد ایشان اندوخته‌ای از آسایش خاطرشان و اعتمادشان به دادگری خود و مدارا در حق ایشان، برای خود تکیه گاهی استوار ساخته‌ای (نامه ۵۳).</p>
<p>۳۳-۱. گرفتن مالیات با مشارکت مردم، زمینه اعتماد و همسویی دولت و مردم می‌شود.</p> <p>۳۳-۲. فقر مردم از منازعه بر سر قدرت و ثروت کارگزاران است.</p> <p>۳۳-۳. فقر مردم باعث سقوط جامعه است.</p>	<p>۳۳. چه بسا کارها پیش آید که اگر رفع مشکل را بر عهده آنها گذاری، به خوشدلی به انجامش رسانند، زیرا چون بلاد آباد شود، هر چه بر عهده مردمش نهی، انجام دهند که ویرانی زمین را تنگدستی مردم آن سبب شود و مردم زمانی تنگدست گردند که همت و ایلیان، همه گرد آوردن مال بود و به ماندن خود بر سر کار اطمینان نداشته باشند و از آنچه مایه عبرت است، سود بپرگیرند (نامه ۵۳).</p>
<p>۳۴. هدف از گرفتن مالیات عمران و آبادانی جامعه است نه مال اندوزی دولت.</p>	<p>۳۴. باید توجه تو در عمران و آبادی زمین بیش از توجه تو به جمع آوری خراج باشد (نامه ۵۳).</p>
<p>۳۵-۱. مالیات با رونق اقتصادی ارتباط دارد.</p> <p>۳۵-۲. گرفتن مالیات بدون توسعه اقتصادی موجب ویرانی شهرها است.</p> <p>۳۵-۳. فشار مالیاتی بدون رونق اقتصادی باعث سقوط دولت است.</p>	<p>۳۵. خراج جز با آبادانی به دست نمی‌آید و آن کس که بخواهد خراج را بدون عمران و آبادانی طلب کند، شهرها را ویران و بندگان خدا را هلاک کرده و پایه‌های حکومتش متزلزل خواهد شد؛ به گونه‌ای که بیش از مدت کمی دوام نخواهد داشت (نامه ۵۳).</p>
<p>۳۶-۱. مالیات بدون سرمایه‌گذاری باعث ویرانی جامعه می‌شود.</p> <p>۳۶-۲. مالیات بدون رونق اقتصادی باعث فقر جامعه می‌شود.</p> <p>۳۶-۳. مالیات بدون رونق اقتصادی باعث سقوط دولت می‌شود.</p> <p>۳۶-۴. مالیات بدون رونق اقتصادی باعث نابسامانی</p>	<p>۳۶. جمع‌آوری مالیات بدون عمران و آبادی سه پیامد مهم دارد: «نخست ویرانی زمین‌ها و سرمایه‌های مردم، مناطقی که حکومت‌ها خراج سنگینی بر اراضی می‌بندند و به آبادی زمین نمی‌اندیشیدند، کشاورزان زمین‌ها را رها کرده و برای در امان ماندن از شر جمع‌آورندگان خراج به نقاط دیگر فرار می‌کنند و دیگر اینکه مردم در اثر فقر به نابودی کشیده می‌شوند؛ سوم اینکه فقر عمومی سبب عدم همکاری مردم بلکه شورش آنها بر ضد حکومت می‌شود.</p>

اجتماعی و سیاسی می‌شود.	
۳۷. رعایت توانایی مردم در پرداخت مالیات در شرایط آفت‌زدگی محصول، کم‌آبی، خشکسالی، سیل و مانند اینها.	۳۷. سنگینی و غیر عادلانه بودن مالیات، نادیده گرفتن آفت زراعت و کمبود یا نابودی محصول، کاهش محصول در اثر کاهش آب نهرها و جوی‌ها، کاهش محصول بر اثر خشکسالی و کمبود نزولات آسمانی، کاهش محصول بر اثر سیلاب‌ها و آب‌گرفتگی زمین‌های زراعی از اسباب نارضایتی مردم هستند.
۳۸. همدردی دولت با مردم و تعهد در قبال آنها سرمایه اجتماعی است.	۳۸. نتایج تخفیف خراج در شرایط بحران: ذخیره اعتماد آبادی جامعه، آبرومندی و زینت حکومت و احساس همدردی مردم از سوی حاکم، خوش‌بینی مردم به حکومت و استواری پایه‌های حکومت و احساس مثبت حاکم از رفتار خود به جهت گسترش عدالت و تداوم حکومت (نامه ۵۳).
۳۹. ناامنی روانی و شغلی و ثروت اندوزی کارگزاران با فقر و فساد رابطه دارد.	۳۹. مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی علل سیاسی و اجتماعی دارند. ثروت اندوزی زمامداران و ناامیدی از آینده خود و بی‌توجهی به تجارب پیشینیان در زمینه زمامداری صحیح، جامعه را به فقر و فساد می‌کشاند (نامه ۵۳).
۱-۴۰. بازرگانان منابع اصلی مالی دولت و آسایش جامعه هستند. ۲-۴۰. بازرگانان به عنوان گروه خطرپذیر نیازمند امنیت اجتماعی و اقتصادی هستند.	۴۰. آنها (تجار) منابع اصلی منفعت (مردم) و اسباب آسایش (جامعه) هستند و مال التجاره‌های مفید را از سرزمین‌های دور دست، از صحرا و دریا و سرزمین‌های هموار و ناهموار و از مناطقی که عموم مردم با آن سر و کار ندارند و (حتی) جرأت رفتن به آن را نیز در خود نمی‌بینند، گردآوری می‌کنند (نامه ۵۳).
۴۱. در جامعه مرفعی و آباد و غنی، آشوب و ناامنی شکل نمی‌گیرد. هیچ‌کس منافع خود را به خطر نمی‌اندازد.	۴۱. بازرگانان، مردم صلح‌دوست هستند که بیمی از ضرر آنها نمی‌رود. آنان صلح‌دوستانی هستند که خوف خیانت و نیرنگ آنها نیست (نامه ۵۳).
۴۲. تجار و بازرگانان مانند اکسیژن در جامعه هستند.	۴۲. بازرگانان در کنار تأمین منافع شخصی دنبال منفعت اجتماعی هستند. آنها کالاها را از منطقه‌ای به منطقه دیگر منتقل می‌کنند و از این طریق تعادل قیمت و کمیابی را جبران می‌کنند.
۱-۴۳. ساماندهی و حمایت از کسب و کار تجار از وظایف دولت است. ۲-۴۳. اقتصاد باید اجتماعی باشد و دولت باید از آن حمایت و نظارت کند. ۳-۴۳. حکومت نباید امر تجارت و صنعت را به دست گیرد. ۴-۴۳. حمایت و همدردی با تجارت و صنعت، نقش مهمی در موفقیت آنها دارد.	۴۳. کارهای بازرگانان و صنعت‌گران را پیگیری کن و سامان ده چه آنها که در حضور تو (و مرکز فرمانداریت) زندگی می‌کنند و چه آنها که در گوشه و کنار کشور هستند (نامه ۵۳).
۱-۴۴. نظارت دولت مانع شکل‌گیری فساد اقتصادی خواهد شد. ۲-۴۴. تجارت و صنعت رانتی باعث فساد اقتصادی خواهد شد. ۳-۴۴. احتکار، انحصارگرایی، منفعت‌طلبی و قیمت‌تحکمی، چهار عامل فساد اقتصادی هستند.	۴۴. بدان با تمام آنچه گفتیم در میان آنها جمع‌گیری هستند که به شدت تنگ‌نظر و بخیل‌زشت‌کار و احتکارکننده مواد مورد نیاز مردم و اجحاف‌کننده در تعیین قیمت‌ها هستند و اینها موجب زبان‌توده مردم و عیب و ننگ بر زمامدارانند (نامه ۵۳). تقاط ضعف تجار و صنعتگران: یکم: انحصارگرایی، دوم: منفعت‌طلبی، سوم: احتکار اجناس هنگام فراوانی و گرانفروشی روز کمیابی و چهارم: تحکم بر قیمت‌گذاری‌ها بدون توجه به منافع مردم است.
۴۵. اقتصاد و تجارت رانتی باعث فقر جامعه و سقوط	۴۵. احتکار، انحصارگرایی و افسارگسیختگی قیمت‌ها باعث تنگنای اقتصادی

<p>دولت می‌شود.</p>	<p>توده‌های مردم و ناراضیاتی آنها از حکومت و وقوع شورش‌های خطرناک می‌شود و فساد اقتصادی لکه ننگی بر دامن حکومت است و دلیل بی‌کفایتی و سوء مدیریت است (شرح خوبی).</p>
<p>۴۶. احتکار ناشی از اقتصاد رانتی است.</p>	<p>۴۶. از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا از آن منع کرد. احتکار به معنای گردآوری احتیاجات مردم و ذخیره کردن و به انتظار گرانی نشستن و منافع کلان بردن است (شرح خوبی).</p>
<p>۴۷. آسانی انجام معاملات و عادلانه بودن قیمت، مانع اقتصاد رانتی است.</p>	<p>۴۷. باید معاملات با شرایط آسان، موازن عدل و نرخ‌هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار صورت گیرد (نامه ۵۳).</p>
<p>۴۸. اقتصاد آزاد و نظارت دولت عامل سلامتی اقتصادی جامعه است.</p>	<p>۴۸. انجام معاملات با شرایط آسان همراه با عادلانه بودن قیمت مانع کم‌فروشی و تقلب در اقتصاد است. تأمین منافع تولید کننده و مصرف کننده، باعث سلامتی اقتصاد است.</p>
<p>۴۹-۱. قیمت‌گذاری دولت باعث فساد در اقتصاد است. ۴۹-۲. دست نامرئی، بازار را مهار می‌کند.</p>	<p>۴۹. امام علی <small>علیه السلام</small>: پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> دستور داد انبارهای محتکران را بکشایند و اجناسشان را در بازار عرضه کنند. کسی به حضرت عرض کرد: چه خوب است قیمت آن را نیز تعیین کنید. پیغمبر خشمگین شد آیا من قیمت را تعیین کنم؟ قیمت به دست خداست هر زمان بخواهد آن را بالا می‌برد و هر زمان بخواهد پایین می‌آورد (حر عاملی، ۱۳۸۷: ۳۹۸/۶-۳۹۹).</p> <p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: خداوند برای تدبیر قیمت‌ها ملکی را گماشته است (همان). این جمله اشاره لطیفی به رابطه عرضه و تقاضا و دست نامرئی مهار قیمت‌ها دارد. یعنی اساس در نرخ‌گذاری همان عرضه و تقاضاست (شرح خوبی).</p>
<p>۵۰-۱. منع نظامیان از ظلم و تعدی بر مردم و اموالشان و عدم دخالت آنها در امور غیر نظامی. ۵۰-۲. ناراضیاتی شهروندان به سبب عملیات نظامی با دشمن، کم‌خردی است. ۵۰-۳. امکان دادخواهی در بحرانی‌ترین زمان (جنگ) برای مردم فراهم شود.</p>	<p>۵۰. از بنده خدا علی امیر مؤمنان، به گردآوران خراج و عاملان شهرها که لشکریان از سرزمین آنان می‌گذرند: اما بعد، من سپاهیان را فرستادم که به خواست خدا بر شما خواهند گذشت، و آنچه را خدای بر آنان واجب داشته به ایشان سفارش کردم: از رساندن آزار و بازداشتن‌کنند؛ و من نزد شما و به موجب تعهدی که نسبت به شما دارم از آزاری که سپاهیان -به مردم- رسانند بیزارم، مگر آنکه گرسنگی سربازی را ناچار گرداند و برای سیر کردن خود جز آن راهی نداند. پس کسی را که دست به ستم گشاید کیفر دهید، و دست بی‌خردان خود را از زبان رساندن به لشکریان و زحمت رساندن به ایشان در آنچه استثناء کردیم، بازدارید (نامه ۶۰).</p>
<p>۵۱. زکات برای ایجاد رفاه است.</p>	<p>۵۱. پرداخت زکات برای رفع نیازمندی‌های فقرا و مستمندان است (خطبه ۱۹۲).</p>
<p>۵۲-۱. حامی پروری و رانت‌خواری، ظلم، اسراف و تبذیر است. ۵۲-۲. حامیان و خواص در موقع خطر، پشتیبانی نمی‌کنند. ۵۲-۳. اسراف و تبذیر از دولت، ناصواب و منشأ تبعیض است.</p>	<p>۵۲. آیا مرا فرمان می‌دهید که پیروزی را طلب کنم، به ستم کردن بر کسی که زمامدار او شده‌ام؟... اگر این مال از آن من می‌بود، باز هم آن را به تسلوی به میانشان تقسیم می‌کردم. پس چگونه چنین نکنم، در حالی که، مال از آن خداوند است. بخشیدن مال به کسی که حق او نباشد، خود گونه‌ای تبذیر و اسراف است که بخشنده را در این جهان برمی‌افزاید و در آن دنیا پست می‌سازد. در میان مردم مکرمش می‌دارد و در نزد خدا خوار می‌گرداند. هرکس دارایی خود را بی‌جا صرف کند و به ناهلش بیخشد، خداوند از سپاسگزاری آنها محرومش گرداند. آنان به جای او، دیگری را به دوستی خواهند گرفت و اگر روزی او را حادثه‌ای پیش آید و به یاریشان نیاز افتد، آنها را بدترین یاران و سرزنش‌کننده‌ترین کسان خود خواهد یافت (خطبه ۱۲۶).</p>

<p>۵۳-۱. سوء استفاده از مسئولیت و رانت خواری ممنوع است. ۵۳-۲. استبداد و مطلق العنانی ممنوع است.</p>	<p>۵۳. خطاب به اشعث بن قیس: حوزه فرمانروایت طعمه تو نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو، و از تو خواسته‌اند تا فرمانبردار کسی باشی که فراتر از توست. تو را نرسد که خود هر چه خواهی رعیت را فرمان دهی (نامه ۵).</p>
<p>۵۴-۱. حامی پروری و رانت خواری و چپاول اموال مردم ممنوع است. ۵۴-۲. بین اطرافیان و دیگران تبعیض روا مدار. ۵۴-۳. املاک و اراضی در اختیار دولت را به اطرافیان بخشش نکن. ۵۴-۴. بدگمانی مردم به عملکرد دولت را با گفتگو و در صورت قصور یا تقصیر با تذکره‌های برطرف کن. ۵۴-۵. عنبرخواهی زمامدار از مردم، اعتماد اجتماعی ایجاد می‌کند.</p>	<p>۵۴. همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاول‌گرند، و در معاملات انصاف ندارند... به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن، و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قرار دادی به سودشان منعقد نشود که به مردم زیان رساند... حق را به صاحب حق، هر کس که باشد، نزدیک یا دور، بپرداز، و در این کار شکبیا باش... گر چه اجرای حق مشکلاتی برای نزدیکانت فراهم آورد، تحمل سنگینی آن را به یاد قیامت بر خود هموار ساز و هر گاه رعیت بر تو بدگمان شود، عنبر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار، و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده، که این کار ریاضتی برای خود سازی تو، و مهربانی کردن نسبت به رعیت است، و این بپوش خواهی تو آنان را به حق وامی دارد (نامه ۵۳).</p>

در گام سوم و چهارم، مضامین پایه به مضامین سازمان‌دهنده و مضامین سازمان‌دهنده به مضامین فراگیر تبدیل شدند. بعضی عبارات شامل بیش از یک مضمون سازمان‌دهنده بود، به همین دلیل تعداد آنها بیش از مضامین پایه است. مضامین پایه جهت تنظیم حجم مقاله تکرار نشده و شماره‌های مضامین سازمان که به صورت چپ چین تنظیم شده گویای مضامین پایه مرتبط هستند.

جدول ۳: تبدیل مضامین سازمان‌دهنده به مضامین فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده (۲)	مضامین سازمان‌دهنده (۱)
حسن تعامل	احترام به مالکیت و آزادی مردم	<p>۵۰-۱. منع نظامیان از تعدی بر مردم و اموالشان ۵۰-۲. عملیات نظامی و ناراضی‌سازی شهروندان، کم‌خردی است. ۵۰-۳. امکان دادخواهی ۲۰-۲. منع ارباب و فریب</p>
	قانونگرایی در اجرا و نظارت	<p>۱-۲. قانون‌گرایی در گرفتن مالیات و اعتماد موجب آرامش و همکاری است. ۲۶-۲. کارگزار مالیات، مأمور نه حاکم ۱. نظارت بر عمل کارگزار مالیات با مردم ۱۸. قانونگرایی و گرفتن مالیات ۱۲-۲. قانونگرایی و مالیات ۴۴-۱. نظارت دولت و سلامت اقتصادی</p>
	رفتار نیکو و امانت‌داری	<p>۲-۲. رفتار نیکو (مؤدبانه، انسانی، احترام به مالکیت مردم) و اعتماد و همکاری ۲۱-۳. رعایت حقوق حیوانات متعلق مالیات و رضایت مالیات‌دهنده ۲۱-۱. مأمور مالیات و امین بودن</p>

		<p>۲-۲۲. مسئولیت مأمور نسبت به اموال مالیاتی</p> <p>۱-۲۶. کارگزار مالیات کلید دار مردم نه حاکم</p>
	<p>جلب اعتماد و رضایت مؤدی مالیات</p>	<p>۱-۲۰. اعتماد به سخن مالیات دهنده.</p> <p>۶-۲۰. جلب رضایت مالک در گرفتن مالیات</p> <p>۱-۳۲. تخفیف مالیات بر اساس توان مردم و جلب اعتماد</p>
<p>اعتماد به خود اظهاری</p>	<p>اعتماد به خود اظهاری مردم</p>	<p>۳-۱. ایجاد اعتماد و صحت خود اظهاری مالیاتی</p> <p>۳-۲. منع تهدید- اعمال زور و گرفتن مالیات</p> <p>۲-۴. اعتماد به خود اظهاری مالک</p>
<p>عدالت اجتماعی و نفی تبعیض</p>	<p>رانت: تبعیض، چپاول مردم، ظلم، حامی پروری، سوء مدیریت و اجحاف به مالیات دهندگان</p>	<p>۱-۵۴. حامی پروری و رانت خواری و چپاول اموال مردم</p> <p>۲-۵۴. رانت خواری اطرافیان و تبعیض</p> <p>۳-۵۴. بخشش املاک دولتی به اطرافیان، ناعدالتی است.</p> <p>۱-۵۳. رانت خواری و سوء استفاده از مسئولیت</p> <p>۵-۲۵. رانت خواری و ظلم بر مردم</p> <p>۴-۲۴. رانت قدرت جهت انباشت ثروت و اجحاف در حق مالیات دهندگان و جامعه</p> <p>۲-۵۲. خواص و بی اعتمادی</p> <p>۴-۷. منع صرف مالیات برای حامی پرور</p> <p>۱-۱۲. رانت خواری و مالیات و اجحاف</p>
	<p>رانت و اسراف و تبذیر</p>	<p>۵-۲۰. عدالت و گرفتن مالیات</p> <p>۳-۵۲. اسراف و تبذیر دولت، و تبعیض</p> <p>۱-۵۲. رانت خواری- حامی پروری و ظلم، اسراف و تبذیر</p>
	<p>حقوق متقابل دولت و مردم</p>	<p>۱-۴. رعایت عدالت اجتماعی</p> <p>۳-۲۳. حقوق متقابل دولت و مردم و عدالت</p> <p>۲-۲۲. رعایت حقوق شهروندی</p>
	<p>رانت و استبداد</p>	<p>۲-۵۳. رانت خواری و استبداد</p> <p>۳-۴. سلطه گری و ناعدالتی</p> <p>۲-۹. مالیات خارج از توان و قبل از موعد و نظام طاغوتی و استبدادی</p>
<p>توانایی پرداخت</p>	<p>شرایط اقتصادی و مالیات</p>	<p>۱-۸. توانایی پرداخت و وضع مالیات بر درآمد</p> <p>۳۷. شرایط اقتصادی پرداخت مالیات</p> <p>۱-۳۶. عدم سرمایه گذاری- مالیات و ویرانی جامعه</p> <p>۲-۳۶. عدم رونق اقتصادی- مالیات فقر جامعه</p> <p>۳-۸. مالیات قبل از موعد، ناعدالتی و ظلم</p> <p>۱-۹. مالیات خارج از توان و قبل از موعد، بی عدالتی</p> <p>۳-۳۰. مالیات و توان مالی</p>
	<p>فشار مالیاتی و شورش اجتماعی و فقر اقتصادی</p>	<p>۳-۹. مالیات خارج از توان و قبل از موعد و شورش اجتماعی</p> <p>۴-۹. مالیات خارج از توان و قبل از موعد و ویرانی اقتصاد و جامعه</p>

مالیات و انتفاع مردم	مالیات، رفاه، اصلاح امور و توسعه	<p>۱-۶. مالیات و بهبود وضع مالیات‌دهندگان</p> <p>۲-۶. مالیات و آسایش جامعه</p> <p>۳-۶. زندگی مالیات‌دهندگان و وضع مردم</p> <p>۱-۷. مالیات و اصلاح امور جامعه مالیات‌دهنده</p> <p>۲-۷. مالیات و انتظام امور جامعه و توسعه اجتماعی، اقتصادی</p> <p>۲-۸. مالیات بدون توسعه و نابودی جامعه</p> <p>۱۱. نظام مالیاتی و رفاه اجتماعی</p> <p>۱۴. مالیات و رفاه و عمران محل مالیات و ایجاد محیط مناسب</p> <p>کسب و کار</p> <p>۱-۳۰. مالیات و رونق کسب و کار</p> <p>۴-۳۰. مالیات و رفاه مردم</p> <p>۵۵. مالیات و رفاه جامعه</p> <p>۱-۳۵. مالیات و توسعه اقتصادی</p> <p>۳۴. هدف مالیات عمران جامعه نه مال اندوزی دولت</p> <p>۳-۲۹. مالیات و تسهیل فعالیت اقتصادی</p> <p>۱-۲۹. مالیات در جهت صلاح و رفاه مالیات‌دهندگان</p> <p>۲-۲۹. هزینه‌کرد مالیات در محل گرفتن مالیات</p>
	مالیات، عدالت و امنیت	<p>۳-۷. مالیات و عدالت و امنیت جامعه.</p> <p>۵-۷. هزینه‌کرد مالیات در امور عام‌المنفعه</p> <p>۱. توزیع عادلانه مالیات و رفاه اجتماعی</p> <p>۱۳. مالیات و بازتوزیع درآمد به جامعه</p> <p>۱۶. مالیات و توزیع مجدد درآمد در جامعه و عدالت اجتماعی</p>
فشار مالیاتی و سقوط دولت	مالیات و اصل سرمایه	<p>۱-۵. عدم تعلق مالیات به اصل سرمایه</p> <p>۲-۳۰. مالیات و ثبات سرمایه</p> <p>۲-۵. عدم سختگیری و زور در گرفتن مالیات</p>
	فشار مالیاتی: نابسامانی اجتماعی، سیاسی، رکود اقتصادی و فقر، بحران کارآمدی و مشروعیت و سقوط جامعه	<p>۳-۵. ناعدالتی در گرفتن مالیات</p> <p>۳-۳۶. عدم رونق اقتصادی-مالیات و سقوط دولت</p> <p>۴-۳۶. عدم رونق اقتصادی-مالیات و نابسامانی اجتماعی و سیاسی</p> <p>۲-۳۵. مالیات بدون توسعه اقتصادی، ویرانی شهرها</p> <p>۳-۳۵. فشار مالیاتی بدون رونق اقتصادی، سقوط دولت</p> <p>۳-۳۳. فقر مردم و سقوط جامعه</p> <p>۲-۳۳. منازعه بر سر قدرت و ثروت و فقر مردم</p> <p>۱-۳۱. فشار مالیات و رکود اقتصادی و سقوط حکومت</p> <p>۲-۱۹. اجرای قانون و ناخوشایندی مردم</p> <p>۳-۱۹. جلب رضایت مردم برای پرداخت مالیات</p> <p>۴-۱۹. ناراضی‌تی مردم و بحران مشروعیت</p>

اقتصاد سالم و پیشرفت (رفاه)	<p>-تجارت رانتی و فساد اقتصادی -انحصارگرایی و فساد اقتصادی -انحصارگرایی و فساد سیاسی</p>	<p>۴۶. رانت -احتکار و فساد ۴۴-۲. تجارت - صنعت رانتی و فساد اقتصادی ۴۴-۳. چهار عامل فساد اقتصادی: احتکار، انحصارگرایی، منفعت طلبی فردی و قیمت تحکمی.</p>
	<p>-دولت و حمایت از کسب و نظارت بر اقتصاد و همدردی با مردم -مالیات و امنیت و توسعه اقتصادی و رفاه و سلامت جامعه -ثروت اندوزی کارگزاران و فقر جامعه</p>	<p>۴۳-۱. حمایت از کسب و کار از وظایف دولت ۴۳-۲. اقتصاد اجتماعی و نظارت دولت ۴۳-۴. حمایت و همدردی دولت با تاجر و صنعتگر و پیشرفت ۴۰-۱. رونق تجارت و آسایش جامعه ۴۰-۲. امنیت اجتماعی -اقتصادی و سرمایه‌گذاری اقتصادی ۳۹. ناامنی روانی - شغلی -فقر و ثروت اندوزی کارگزاران و فساد ۲۸-۱. مالیات و رفاه برای کارکنان ۲۸-۲. رفاه و سلامت اقتصادی جامعه</p>
اعتماد اجتماعی	<p>-عذرخواهی و اعتماد -گوش دادن به حرف مردم و اعتماد</p>	<p>۵۴-۵. گفتگو و عذرخواهی ۲۷-۱. مردم، سرمایه اجتماعی ۲۷-۲. گوش دادن به حرف مردم و اعتماد ۳۲-۳. مدارا با مردم و سرمایه اجتماعی ۵۴-۴. بدگمانی مردم به عملکرد دولت و بی اعتمادی</p>
	<p>-اعتماد: توسعه، امنیت سیاسی، رونق مالیات، سرمایه اجتماعی، مسئولیت مالی و رفاه اجتماعی</p>	<p>۴۱. جامعه مترقی -آباد و امنیت سیاسی و اجتماعی ۳۸. همدردی و تعهد دولت با مردم و سرمایه اجتماعی ۳۳-۱. مشارکت سیاسی و پرداخت مالیات: اعتماد دولت و مردم ۳۲-۲. اعتماد مردم به دولت سرمایه اجتماعی ۱۵. مسئولیت مالی مدیران و اعتماد ۲۸-۳. رفاه و جلب اعتماد</p>
آزادی اقتصاد	<p>-آزادی تجارت و اقتصاد سالم -احترام به مالکیت خصوصی</p>	<p>۴۲. آزادی تجارت و بازرگانی ۲۰-۳. احترام به حق مالکیت ۲۰-۴. جلب نظر مالک در پرداخت مالیات ۱۹-۱. مالکیت اصل و مالیات فرع ۴۸. اقتصاد آزاد - نظارت دولت و سلامتی اقتصادی جامعه</p>
	<p>-دخالت دولت و فساد اقتصادی - آسانی فعالیت اقتصادی و سلامتی جامعه</p>	<p>۱۷. حقوق و امنیت مردم و مالیات ۴۹-۱. دخالت دولت در بازار و فساد اقتصادی ۴۹-۲. مهار نامرئی قیمت ۴۷. آسانی انجام معاملات و عادلانه بودن قیمت، اقتصاد اجتماعی ۴۳-۳. آزادی تجارت و صنعت از سلطه حکومت</p>

جدول ۴: اعتبار سنجی مضامین سازمان دهنده و فراگیر

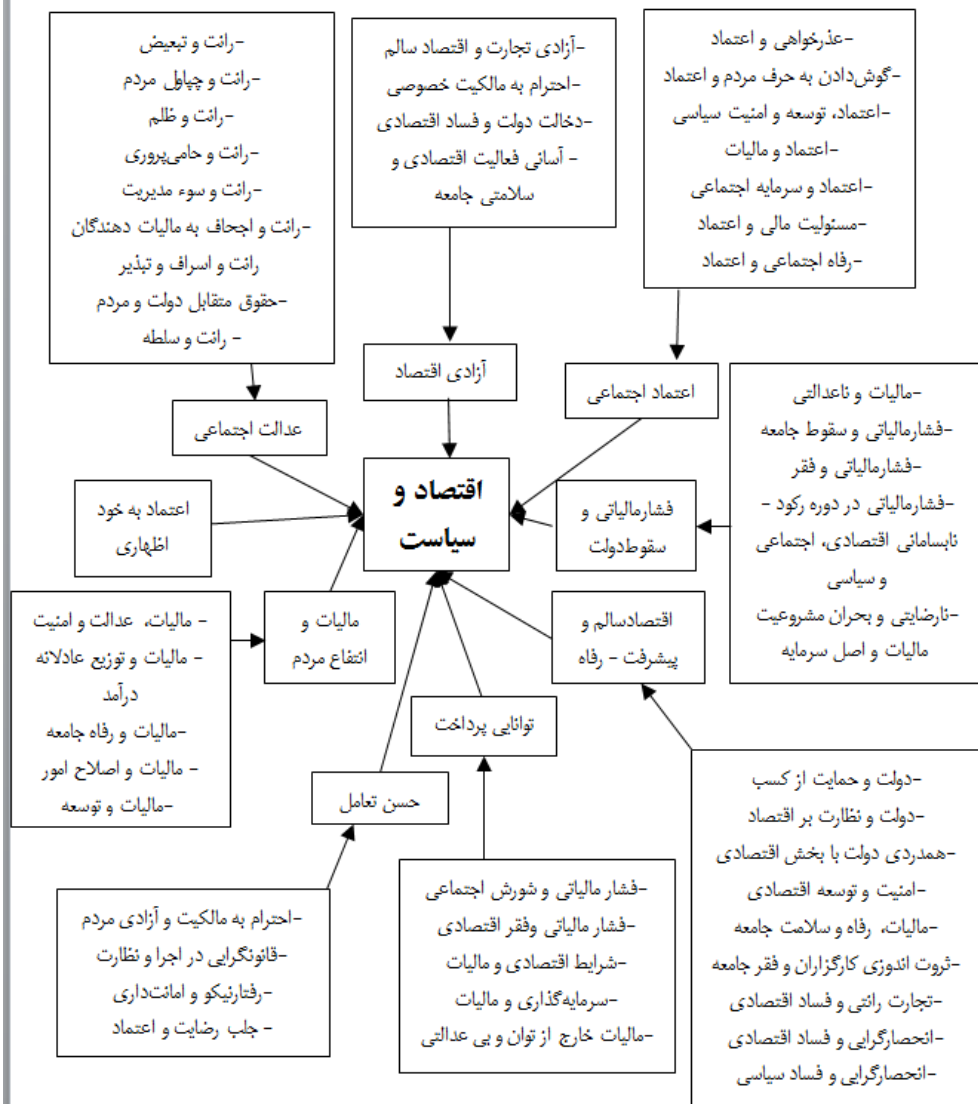
مضمون Cvi فراگیر	Cvi	مضامین فراگیر	Cvi	فراوانی پ.س	مضمون سازمان دهنده
اقتصاد و سیاست (۱)	۱	آزادی اقتصاد	۱۷۹	۹	- آزادی تجارت و اقتصاد سالم
			۱۸۹	۹	- احترام به مالکیت خصوصی
			۱۸۹	۹	- دخالت دولت و فساد اقتصادی
			۱۸۹	۹	- آسانی فعالیت اقتصادی و سلامتی جامعه
	۱	مالیات و انتفاع مردم	۱	۹	- مالیات و رفاه جامعه
			۱۸۹	۹	- مالیات و اصلاح امور
			۱	۹	- مالیات و توسعه
			۱۸۹	۹	- مالیات، عدالت و امنیت
	۱	اعتماد اجتماعی	۱	۹	- مالیات و توزیع عادلانه درآمد
			۱۸۹	۹	- اعتماد، توسعه و امنیت سیاسی
			۱۸۹	۹	- اعتماد و مالیات
			۱	۹	- اعتماد و سرمایه اجتماعی
	۱	اعتماد به خود اظهاری مردم	۱۸۹	۹	- مسئولیت مالی و اعتماد
			۱۸۹	۹	- رفاه اجتماعی و اعتماد
۱۸۹			۹	- عذرخواهی و اعتماد	
۱۸۹			۹	- گوش دادن به حرف مردم و اعتماد	
۱	اقتصاد سالم و پیشرفت (رفاه)	۱	۹	اعتماد به خود اظهاری مردم	
		۱۸۹	۹	- دولت و حمایت از کسب و کار	
		۱۸۹	۹	- دولت و نظارت بر اقتصاد	
		۱۸۹	۹	- همراهی دولت با بخش اقتصادی	
		۱۸۹	۹	- امنیت و توسعه اقتصادی	
		۱۸۹	۹	- مالیات و رفاه	
		۱	۹	- رفاه و سلامت جامعه	
		۱	۹	- ثروت اندوزی کارگزاران و فقر جامعه	
		۱	۹	- تجارت رانتی و فساد اقتصادی	
		۱	۹	- انحصارگرایی و فساد اقتصادی	
۱	حسن تعامل	۱	۹	- انحصارگرایی و فساد سیاسی	
		۱	۹	- احترام به مالکیت و آزادی مردم	
		۱	۹	- قانونگرایی در اجرا و نظارت	
		۱	۹	- رفتار نیکو و امانت داری	
۱	۹	- جلب اعتماد و رضایت			

۱	توانایی پرداخت	۱	۹	- شرایط اقتصادی و مالیات
		۱	۹	- سرمایه‌گذاری و مالیات
		۱	۹	- مالیات خارج از توان و بی عدالتی
		۱	۹	- فشار مالیاتی و شورش اجتماعی
	عدالت اجتماعی	۱	۹	- فشار مالیاتی و فقر اقتصادی
		۱	۹	- رانت و تبعیض
		۱	۹	- رانت و چپاول مردم
		۱	۹	- رانت و ظلم
		۱	۹	- رانت و حامی‌پروری
		۱	۹	- رانت و سوء مدیریت
		۱	۹	- رانت و اجحاف به مالیات دهندگان
		۱	۹	- رانت و زیر سؤال رفتن حقوق مردم
فشار مالیاتی و سقوط جامعه	۱	۹	رانت و اسراف و تبذیر	
	۱	۹	رانت و استبداد	
	۱	۹	- مالیات و حفظ اصل سرمایه	
	/۸۹	۹	- مالیات در عدم رونق اقتصادی و ناعدالتی	
	۱	۹	- فشار مالیاتی و سقوط جامعه	
	۱	۹	- فشار مالیات و نابسامانی اجتماعی	
	۱	۹	- فشار مالیاتی و فقر	
	/۸۹	۹	- فشار مالیاتی در دوره رکود - نابسامانی اقتصادی و نابسامانی سیاسی	
۱	۹	- نارضایتی و بحران مشروعیت		

جدول ۵ نشان می‌دهد که مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر و مضمون اصلی با نمره بالای

۰/۷۹ روابی محتوایی بالایی دارند.

شبکه مضمونی



مضامین فراگیر اقتصاد و سیاست در نهج البلاغه در نه شاخص مهم حسن تعامل، اعتماد به خود اظهار، عدالت اجتماعی، توانایی پرداخت، خزانه‌داری مردم یا اصل انتفاع، فشار مالیاتی و سقوط دولت، اقتصاد سالم و پیشرفت (رفاه)، اعتماد اجتماعی و آزادی اقتصاد مشخص شدند که قابل مقایسه با مفهوم و مؤلفه‌های اقتصاد اجتماع‌محور از دیدگاه صاحب‌نظران این دانش است. مردم در

اقتصاد، نقش اساسی دارند. حکومت، حامی، ناظر و خدمتگزار مردم است. مشروعیت^۱ در فلسفه سیاسی تبیین مبنای حقانیت حاکمیت و چرایی تبعیت مردم از حاکم است و وابسته به عملکرد دولت است. یگانگی رویکرد زمامداران با باورهای مردم، پذیرش حق حکومت زمامداران و تبعیت شهروندان را در پی دارد (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۲۴۴-۲۴۵). بی‌توجهی به مالکیت و شرایط اقتصادی مردم در مسئله مالیات، مبین نظام سیاسی استبدادی است. قانون‌گرایی در رفتار اقتصادی و مدنی، معیار عدالت اجتماعی است. روح دیکتاتوری در فضای بی‌قانونی و نادیده‌انگاری حقوق مردم رشد می‌کند. عدالت، برابری جنسیتی، مذهبی و قومی و برابری استفاده از امکانات و فرصت‌ها و برابری تکالیف و حقوق برای همه است. امتیازدهی، رانتخواری و دادن مالیات به حامیان و اطرافیان یا در هزینه کردن آن در غیر محل گرفتن مالیات، اجحاف و ظلم به مردم و مالیات دهندگان، خلاف آزادی، عدالت و حقوق مردم است. سوء رفتار با مردم در گرفتن مالیات، رضایت، مشارکت و اعتماد مردم به دولت را از بین می‌برد و دولت با بحران مشروعیت و سقوط، و جامعه با چالش عقب افتادگی و فقر مواجه می‌شود. انگیزه فعالیت اقتصادی، نشاط و احساس مسئولیت را در جامعه را از بین می‌برد. جلب رضایت مردم در پرداخت مالیات، نمایش دل‌بستگی مردم به دولت و اعتماد است. اعتماد عمومی بزرگترین سرمایه یک دولت است. عملکرد کارگزاران و نهادهای مالیاتی ممکن است مردم را دلسرد و ناامید یا جلب اعتماد کند. اعتماد در تداوم مشروعیت، نقش اساسی دارد. به نظر می‌رسد اقتصاد دولت‌علوی، اجتماع‌محور است و در این دولت، قانون (کتاب/سنت)، حقوق مردم، حق مالکیت، منع چپاول اموال عمومی، جلوگیری از انباشت ثروت بادآورده، مبارزه با خواص پروری و رانتخواری مهم هستند.

نتیجه

اجتماعی یا رانتی بودن اقتصاد در نهج البلاغه را نقش مردم در اقتصاد و نحوه هزینه‌کرد آن در جامعه تعیین می‌کند. با توجه به مضامین به دست آمده از نهج البلاغه، این نتایج قابل استحصال است:

- ۱- از نگاه نهج البلاغه، حسن تعامل با مردم در گرفتن مالیات و احترام به حق مالکیت و رعایت حقوق حیوانات متعلق مالیات، نقش مهمی در جلب رضایت آنها دارد. قلدری، استبداد، تهدید و ارباب مردم، خلاف عدالت و انصاف و مانع رشد سرمایه و مالیات در جامعه است. ۲- رعایت عدالت و انصاف در شرایط بحران اقتصادی و همدردی و تعهد دولت در قبال زندگی مردم، عامل اعتماد مردم به دولت است.
- ۳- پیشرفت، رفاه، رونق کسب و کار و عدالت از اهداف نظام مالیاتی است. ۴- اعتماد متقابل دولت و مردم بزرگترین سرمایه است. کاهش یا زوال اعتماد مردم به دولت، باعث عدم همکاری مردم با دولت خواهد شد. ۵- حاکمیت برابری سیاسی و تأمین حقوق و آزادی‌های مردم و بازتوزیع عادلانه درآمد در جامعه از عوامل جلب رضایت و باز تولید مشروعیت است. رعایت حقوق و آزادی‌های برابر و نفی هرگونه امتیاز مادی، شغلی و فامیلی به حامیان و اطرافیان و صرف مالیات در غیر محل مالیات از عوامل جلب اعتماد و رضایت مردم است. مردم، ستون خیمه دولت هستند. پشتیبانی مردم از یک حکومت، عامل پایداری آن است. ۶- فراتر از قانون، مأمور و مؤدی دریافت مالیات باید مبدأ و معاد را در نظر بگیرد.

منابع

- ابن شهر آشوب (۱۳۷۹ش)، مناقب آل ابی طالب، تصحیح محمد حسین آشتیانی و هاشم رسولی، قم، نشر علامه.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰ش)، میانی علم سیاست، تهران، توس.
- اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳ش)، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی، تهران، سروش.
- اسکاچیل، تدا (۱۳۷۷ش)، «حکومت تحصیلدار (اصالت درآمد مستمر) و اسلام شیعه در انقلاب ایران»، ترجمه محسن امین زاده، در کتاب: رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، به کوشش عبدالوهاب فراتی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- بختیاری، حسن (۱۳۹۷ش)، «واکاوی مصادیق فساد اقتصادی و تبیین راهکارهای نظارتی مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های نهج البلاغه»، پژوهش نامه علوی، سال نهم، شماره دوم، ص ۲۹-۵۲.
- پل آنتونی، ساموئلسن (۱۳۸۸ش)، اصول علم اقتصاد، ترجمه مرتضی محمدخانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- پوراحمدی، حسین و محمد شم‌آبادی (۱۳۹۰ش)، مقدمه‌ای بر نظریه اقتصاد سیاسی اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۶ش)، حکمت اصول سیاسی اسلام (ترجمه و تفسیر فرمان علی علیه السلام به مالک اشتر)، تهران، به نشر.
- جهان‌بین، فرزاد و محمد نعمتی (۱۳۹۴ش)، «معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج البلاغه»، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۳، شماره ۱۰، ص ۱۰۳-۱۲۲.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۶ش)، «رانت، دولت‌رانتیر و رانتیریسیم: یک بررسی مفهومی»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶، ص ۱۵۲-۱۵۵.
- حرعاملی، محمد بن حسین (۱۳۸۷)، تفصیل وسائل الشیعه الی مسائل الشریعه، قم، ذی القربی.
- حبیب، سلیمان (۱۳۶۴ش)، فرهنگ بزرگ فارسی - انگلیسی، تهران، فرهنگ معاصر.
- دادگر، یدالله و حسین نمازی (۱۳۸۵ش)، ارتباط اقتصاد متعارف با اقتصاد ارتدکس و اقتصاد اخلاق محور، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- دشتی، محمد (۱۳۸۱ش)، نهج البلاغه، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام.
- دلشادتهرانی، مصطفی (۱۳۸۲ش)، دلالت دولت: آئین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر، تهران، دریا.
- رحیمی (روشن)، حسن (۱۳۹۳ش)، «نفی رانتیریسیم در نهج البلاغه»، پژوهشنامه نهج البلاغه، سال دوم، شماره ۶، ص ۵۸-۷۳.
- رفیع‌پور، فرامر (۱۳۸۲ش)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- ال‌ریس، ضیاء الدین (۱۳۷۳ش)، خراج و نظام‌های مالی دولت اسلامی از آغاز تا نیمه دوم قرن سوم، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- شکاری، عبدالقیوم (۱۳۷۹ش)، نظریه دولت تحصیلات و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۱ش)، «الگوی رهبری خدمتگزار مبتنی بر دیدگاه امام خمینی (ره)»، دوفصلنامه علمی تخصصی اسلام و مدیریت، سال اول، شماره ۱، ص ۷-۳۶.
- عشقی عراقی، مهتاب (۱۳۹۸ش)، «فعالیت‌های اقتصادی امام علی علیه السلام راهبرد کاهش آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه»، فصلنامه دانش انتظامی مرکزی، دوره ۱۳۹۸، شماره ۲۸، شماره پیاپی ۴، ص ۹۱-۱۲۰.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۲ش)، تئوری‌های ساخت قدرت و رژیم پهلوی دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کاتوزیان، همایون (محمدعلی) (۱۳۸۰ش)، نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران، نفت و توسعه اقتصادی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر مرکز.
- _____ (۱۳۷۴ش)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- کلارک، باری (۱۳۸۹ش)، اقتصاد سیاسی تطبیقی، ترجمه عباس حاتمی، تهران، کویر.
- کیا، علی اصغر و مهدی فقیهی نژاد (۱۳۹۷ش)، «تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه در مفاد برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال ششم، شماره یازدهم، ص ۳۳-۷۱.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد و همکاران (۱۳۸۲ش)، دانش نامه امیر المؤمنین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۳، ترجمه عبد الهادی مسعودی، ج ۴، ترجمه مهدی مهریزی، قم، دارالحدیث.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۵ش)، پیام امام امیرالمؤمنین، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- منکیو، گریگوری (۱۳۸۸ش)، نظریه اقتصاد خرد، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی.
- مولایی، محمد (۱۳۹۲ش)، «آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه»، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال اول، شماره ۴، ص ۹۳-۱۱۰.
- هاشمی‌خوئی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ق)، منهج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه، تصحیح ابراهیم میانجی، تهران، المكتبة الاسلامیه.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, P77-101.
- Migdal, Joel (1988), *Strong Societies and Weak States: State- Society Relations and the State Capabilities in the Third World*, New Jersey, Princeton University Press.